



صمدک سع گاتاها

سرودهای اشو زرتشت

برگردان هفده هات

همراه با متن اوستایی و گزارش‌های زبانشناسی

پژوهش و نوشته: دکتر آبتین ساسانفر
استاد پیشین دانشگاه ملی



عنوان قرارداد:	اوستا، یستا، گاهان، فارسی، برگزیده
عنوان نام پدیدآور:	گاتاه: سرودهای اشو زرتشت، برگردان هفده هات همراه با متن اوستایی و گزارش‌های زیباشناسی / پژوهش و نوشته آبتین ساسانفر.
مشخصات نشر:	تهران: بهجت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۱۱۷۶ ص.
شابک:	978-964-3763-58-0
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
موضوع:	اوستا - گاهان
موضوع:	سرودهای زردشتی
موضوع:	شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی
شناسه افزوده:	ساسانفر، آبتین، مترجم.
رده‌بندی کنگره:	PIR ۴۷۴ / گ۲ ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی:	۲۹۵/۸۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۲۷۹۹۰۲۸



انتشارات بهجت

گاتاه / گاهان

سرودهای اشو زرتشت
(همراه با متن اوستایی و گزارش‌های زبان‌شناسی)
نوشته و پژوهش: دکتر آبتین ساسانفر
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: عبدرایانه

چاپ: گلشن نوین

چاپ اول ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۳-۵۸-۰۰

فروشگاه انتشارات بهجت: تهران، خیابان ولی‌عصر، دوراهی یوسف‌آباد، شماره ۱۹۷۸
دورنگار: ۸۸۹۶۷۱۷۶ - تلفن: ۸۸۹۵۷۱۷۶
دورنگار: ۸۸۸۹۹۹۰۷ - تلفن: ۸۸۹۲۱۱۲۶
دفتر توزیع و فروش انتشارات بهجت: تهران، خیابان میرزای شیرازی، شماره ۱۶۲



فهرست

پیشگفتار.....	۹
سرآغاز.....	۱۷
دیباچه به قلم پروفیسور دوشن گیمن.....	۲۲
پیشینه پژوهش‌های اوستایی.....	۲۴
درباره متن اصلی اوستا.....	۴۶

گاتاها / گیتاها

یسنّا، هات ۲۸ - اهنودگات، سرود اول.....	۵۳
یسنّا، هات ۲۹ - اهنودگات، سرود دوم.....	۱۰۳
یسنّا، هات ۳۰ - اهنودگات، سرود سوم.....	۱۷۱
یسنّا، هات ۳۱ - اهنودگات، سرود چهارم.....	۲۲۹
یسنّا، هات ۳۲ - اهنودگات، سرود پنجم.....	۳۱۹
یسنّا، هات ۳۳ - اهنودگات، سرود ششم.....	۳۸۷
یسنّا، هات ۳۴ - اهنودگات، سرود هفتم.....	۴۴۷
یسنّا، هات ۴۳ - اشتودگات، سرود هشتم.....	۵۱۵

۵۹۱.....	یسنا، هات ۴۴ - اشتودگات، سرود نهم.....
۶۸۳.....	یسنا، هات ۴۵ - اشتودگات، سرود دهم.....
۷۳۳.....	یسنا، هات ۴۶ - اشتودگات، سرود یازدهم.....
۸۱۹.....	یسنا، هات ۴۷ - سپنمدگات، سرود دوازدهم.....
۸۴۷.....	یسنا، هات ۴۸ - سپنمدگات، سرود سیزدهم.....
۸۹۷.....	یسنا، هات ۴۹ - سپنمدگات، سرود چهاردهم.....
۹۴۷.....	یسنا، هات ۵۰ - سپنمدگات، سرود پانزدهم.....
۹۹۳.....	یسنا، هات ۵۱ - وهوخسترگات، سرود شانزدهم.....
۱۰۸۷.....	یسنا، هات ۵۲ - وهیشتوایتگات، سرود هفدهم.....
۱۱۲۹.....	حروف دین دبیره.....
۱۱۳۰.....	نمایه.....
۱۱۶۹.....	کتابنامه.....

پیشگفتار

نخستین بار در سال ۱۳۸۳ خورشیدی هفت فصل نخستین از گاتاهای زرتشت با گزارش‌های دستوری و برداشت‌هایی که از درک درست آنها سرچشمه می‌گرفت به وسیله انتشارات بهجت در تهران منتشر شد. سپس چندبار توسط سایر سازمان‌های انتشاراتی بدون اجازه ناشر اصلی چاپ و توزیع گردید. برگردان و تنظیم ده فصل بقیه در دو سال گذشته پایان یافته بود ولی تهیه نرم‌افزاری که برای چاپ الفبای اوستایی لازم بود و سایر مشکلات انتشار، آن را تا این زمان به تاخیر انداخت.

از آنجا که پژوهش در فرهنگ باستانی و فلسفه زرتشت مورد علاقه بسیاری از هم‌میهنان است و در این زمینه گفتگو و پژوهش‌های زیاد انجام می‌گیرد، با اینکه بیشتر مطالب در برگردان و برداشت‌های کتاب حاضر مطرح شده، ولی توضیح کوتاهی لازم به نظر می‌رسد.

۱- آیا زرتشت پیام‌آور است یا یک حکیم و دانشمند که برای اصلاح جامعه دارای اندیشه است و آن را آموزش می‌دهد؟

نظر نویسنده این کتاب بر آن است که برای درک این موضوع باید به گفتار و آموزش خود زرتشت در گاتاهای مراجعه کرد که سخن او و تنها آموزش وابسته به اوست.

در گاتاهای خدای زرتشت نماد خرد است و اهورامزدا را همان‌طور که از معنای آن بر می‌آید دارنده خرد (سانسکریت = MEDHA = اوستایی MAZDA) بزرگ‌ترین نیروی که هستی را به گردش آورده برای شناختن آن شش صفت معرفی می‌کند که در راس آنها یک مینو و گوهر مقدس وجود دارد به نام سپنتا مئینو در برابر آن گوهر پاک، یک گوهر پلید نیز وجود دارد به نام انگر مئینو که نماد بدی‌ها و پلیدی است. آن دو گوهر که در نهاد آدمی آفریده شده‌اند چون رویا بی‌حرکت و خفته و بی‌اثر هستند. انسان که مختار و دارای آزادی‌گزینی و اراده مستقل است می‌تواند هریک از آن دو را پس از سنجش برگزیند، اختیار دارد گوهر پاک یعنی سپنتا مئینو را برگزیند که در راس فروزه‌های اهورایی است و یا انگر مئینو (اهریمنی) را برگزیند که ضد صفات اهورایی است. اهریمن در برابر اهورامزدا قرار ندارد، بلکه در برابر سپنتا مئینو وجود دارد و رقیب و دشمنی اوست.

نکته مهم بینش زرتشت آن است که انسان در این صورت با گزینش و انتخاب آزاد خود می‌تواند آفریننده بدی و خوبی باشد. در این صورت انسان مسئول انتخاب خویش است و سرنوشت او از پیش معین نشده است. طبق آموزش زرتشت انسان تنها موجود خردمند در هستی است و اهورامزدا نیز نماد و سمبل خرد است. یعنی آفرینش هستی بر پایه اصول و قوانینی است که از خرد سرچشمه می‌گیرد و آن قوانین که هستی را اداره می‌کند ازلی و ابدی هستند، همیشه بوده و خواهند بود. چون خرد با دانش هماهنگی دارد و هر قدر انسان در دانش پیشرفت کند به درک و فهم قوانین هستی بیشتر پی خواهد برد و به اصول خردمندی و نماد آن که اهورامزدا است بیشتر نزدیک خواهد شد.

زرتشت به دو جهان باور دارد، جهان مادی و جهان مینوی، برای پیروزی در هر دو جهان باید شش فروزه یا صفت اهورامزدا را شناخت و از آنها پیروی کرد که عبارتند از راستی، نیک اندیشی، نیرومندی، پرهیزگاری، رسایی و جاودانی که برای هر یک در برگردان و هم در برداشتها توضیح داده شده است.

با توجه به این پایه‌های اساسی برای درک خداشناسی "Theologie" زرتشت به این نتیجه می‌رسیم همانطور که در گاتاها خواهید دید خدای زرتشت را نمی‌توان مانند انسان دارای احساساتی از قبیل خشم، کینه، دروغ و سایر ویژگی‌های آدمی دانست، جز فروزه خرد که پرتوی از آن در نهاد آدمی نهاده شده و به همین دلیل در گاتاها گفته می‌شود که اهورامزدا دوست انسان است و اشاره به این همبستگی است که انسان نیز در خردمندی نشانی از خدا دارد هر قدر در آن پیش روَد و بر دانش خود بیفزاید به او نزدیک‌تر خواهد شد.

چون فهم خداشناسی زرتشت نیاز به سنجش عقلانی دارد و پذیرش آن آزاد است گروهی آن را یک مکتب فلسفی می‌دانند. این شیوه آزاداندیشی و احترام به همه باورها باعث بروز عقاید و نظریات گوناگون خواهد شد و با سنجش اندیشه‌هاست که می‌توان بهترین آنها را شناخت و برگزید. اگر عقیده و اندیشه تحمیلی باشد و هیچ کس حق نداشته باشد اندیشه تازه‌ای ابراز کند یک جمود و یکنواختی حاکم خواهد شد که مانع پیشرفت و شکوفایی فرهنگ بشری خواهد شد.

آنان که می‌پندارند آموزش‌های زرتشت یک مکتب فلسفی بوده و زرتشت یک دانشمند اصلاح‌طلب و آموزگار اخلاق است کسانی هستند که به خدا و دین اعتقادی ندارند ولی به هر حال همین افراد نیز خود دارای اندیشه و پیرو مکتبی هستند و بدون اینکه اعتقادی به آفرینندگی و جهان‌مینوی از سوی یک قدرت بزرگ و فراگیر داشته باشند می‌توانند اصول اخلاقی و اندیشه‌های اجتماعی زرتشت را بپذیرند.

بدیهی است آنان که زرتشت را پیام‌آور می‌دانند نیز در انتخاب عقیده خود آزادی کامل دارند و می‌توانند آموزش‌های آن را یک اصول دینی بدانند و با ستایش و اطاعت از آن پیروی کنند نه بنا بر سنجش و گزینش خود

۲- در گاتاها زرتشت خود را واسطه انسان و خدا نمی‌داند، زرتشت خود به وجود خدا و آفریننده‌ای یکتا پی برده زرتشت به جستجوی خدا رفته و او را دریافته است. روایات و اشاراتی در گاتاها بدین ترتیب که زرتشت در خواب دید یا فرشته‌ای به او ابلاغ کرد دیده نمی‌شود، اهورامزدا، خدای زرتشت در گاتاها هرگز با او گفتگو نمی‌کند، زرتشت درباره آفرینش و بسیاری از مسایل از اهورامزدا پرسش می‌کند. این پرسش‌ها چنان است که خود پاسخ را نیز به همراه دارد.

۳- در آیین زرتشت، شریعت یعنی قانونگذاری برای امور زندگی فردی و اجتماعی که به عهده مردم است، هماهنگ با نیاز خود و با توجه به پیشرفت‌های علمی و اجتماعی که هر روز رو به گسترش است روابط خود را با سایرین و با جامعه هماهنگ سازد. برگزیدگان مردم باید درباره نیاز و خواسته‌های گوناگون زندگی که پیوسته در حال تغییر است، تصمیم بگیرند و قانون‌گزار باشند.

نظم و هنجاری که در گاتاها آموزش داده شده اصولی است پایدار و همیشگی که هرگز نباید برخلاف آن حرکت کرده و هر قانون و مقرراتی از سوی مردم وضع می‌شود باید با هنجار اهورایی هماهنگی داشته باشد که عبارتند از شش اصل ابدی که صفات اهورامزدا و هماهنگ بامبانی عقلی است یعنی اشا، وهومن خسترا، ارمئیتی، هئورواتات و آمیرتات، اگر در تدوین قوانین جانب راستی و درستی و نیک اندیشی و پرهیزگاری رعایت شود بی‌شک، آن قوانین برابر با خواست اهورامزدا خواهد بود و مانند آن است که خداوند به آن اشاره کرده باشد ولی مردم نسبت به پیشرفت‌های علمی و نیازمندی‌های خود در آن اندیشه داشته است و چون در تدوین و فراهم کردن آن دخالت داشته پس در حسن اجرای آن نیز کوشش خواهد کرد.

بنابراین شریعت به آن معنی که در برخی از ادیان وجود دارد در گاتاها دیده نمی‌شود ولی در اوستای نوین که در زمان ساسانیان گردآوری شد، کتاب وندیداد را جای داده‌اند که به هیچ روی با آموزش‌های گاتایی سازگاری ندارد و از احکام دینی پیش از زرتشت و ساخته و پرداخته گروهی از مغان دوران مادها است. ضمیمه کردن وندیداد و یشت‌ها و سایر بخش‌ها که با عنوان دین زرتشت در اوستای نوین گردآوری شد به دلیل از میان بردن اختلافات اجتماعی و دینی بود که پس از حمله اسکندر به تدریج در جامعه ایرانی رواج یافته بود. اسکندر و جانشینان او موبدان را کشتند و اوستا را پراکنده کردند به شکلی که دین زرتشت از مرکزیت خود خارج شده بود با ظهور دین مسیح در اواسط دوره اشکانیان و بست آزاداندیشی دینی که در ایران وجود داشت گروهی از ایرانیان به دین مسیحی گرایش یافتند و در غالب شهرهای ایران و استان ارمنستان، ایرانیان مسیحی که در جنگ با رم و بیزانس شرکت می‌کردند از هم‌کیشان مسیحی خویش طرفداری می‌کردند، موبدان را می‌کشتند، معابد را ویران می‌کردند، از هر سو مذهبی نظیر میترائیسم، زروانیسم و پرستش ایزدان باستانی در جامعه پدیدار شد، برای ایجاد وحدت ملی و یکپارچگی افکار عمومی، اصول و باورهای تمام دین‌های ایرانی را در کتابی واحد به نام اوستا گرد آوردند و برای نخستین بار سنت آزاد اندیشی از بین رفت و شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹) که پادشاهی مقتدر بود و مدت هفتاد سال پادشاه شد دستور داد همه از کتاب دینی اوستا که در آن زمان گردآوری شد پیروی کنند در کتاب اوستای نو، هرکس با هر دینی از جمله زروانی - میترائی یا ستایشگر هر یک از ایزدان عقیده خود را می‌توانست در آن جستجو کند. با نگاهی به یشت‌ها در می‌یابیم که زرتشت که در آغاز همه ایزدان را در اندیشه ستایش خود خارج کرده بود دگربار سفارش شده تا ایزدمهر یا خورشید یا وایو و غیره را ستایش باید کرد، بنابراین اشاره‌ای به آموزش‌های دین زرتشت نمی‌شود و گاتاها را با جایگاه اندکی در یسنا جای دادند. از این رو دین زمان ساسانیان و اوستای گردآمده در آن زمان دین حقیقی و راستین زرتشت نیست ولی با قدرت پادشاهان نیرومند آن زمان به عنوان تنها دین ایرانیان قلمداد شد. در حالی که هیچ یک از خرافات و وندیداد یا نیایش‌های یشت‌ها با بینش زرتشت هماهنگی و ارتباطی ندارد و آن همان است که گروهی از زرتشتیان سنتی و پارسی‌های تند رو به آن باور دارند ولی در حال حاضر کسانی که علاقمند به فرهنگ و بینش راستین زرتشت هستند فقط به گاتاها می‌پردازند و

ضمیمه‌های اوستا را تنها دارای ارزش تاریخی، ادبی و زبان‌شناسی می‌دانند. روایات، اخبار و اطلاعاتی که دربارهٔ دین زرتشت یا مغان نقل شده بیشتر از سوی یونانیان، نویسندگان غیر ایرانی یا دشمنان فرهنگ ایران بوده است به آن اندازه که فرهنگ ایران، آثار دانشمندان و موبدان ایرانی از زمان حمله اسکندر مقدونی تا زمان ناصرالدین شاه قاجار مورد حمله و در برابر نابودی قرار گرفته هیچ کشور و فرهنگی دچار آسیب و کینه‌توزی نشده است. تنها نوشته‌ای که به طور معجزه‌آسا و بدون دستبرد از بزرگ‌ترین آموزگار اخلاق در امور فلسفی و اجتماعی به جای مانده همان گاتاهای زرتشت است که با ارزش‌ترین میراث فرهنگی است.

۴- نقش خاورشناسان از هر ملت و کشوری در پیشرفت پژوهش‌های اوستایی غیرقابل انکار است. از نیمه دوم قرن هیجدهم تا کنون کارشناسان زیادی درباره تاریخ ایران، دین زرتشت و زبان اوستایی کارهای بسیار باارزش ارائه داده‌اند ولی میان آن خاورشناسان و دانشمندان، تفاوت‌های بسیار دیده می‌شود. گروهی از آنها برای کشف حقایق تاریخی و علمی کوشش می‌کردند. گو اینکه برای روشن شدن زوایای تاریک تمدن ما فعالیت آنها بسیار باارزش بوده ولی نباید فراموش کرد که این کوشش‌ها برای خدمت و خوش‌آمد مردم نبود بلکه برای کشف حقایق علمی و روشن شدن مسایلی بود که برای تمدن بشر و پیشرفت تدریجی آن ضرورت داشت و ایرانیان نیز از این رهگذار سود فراوان بردند آنچه انکتیل دوپرون و رالینسون انجام داده‌اند برای پژوهش در دین زرتشت و خواندن سنگ نبشته‌ها و برای خدمت به پیشرفت علم و سابقه تاریخی سیر اندیشه‌های دینی و کشف نوشته‌های باستانی بود، بدیهی است هدف علمی آنان با روشن شدن گوشه‌هایی از فرهنگ ما هماهنگی داشت. آنها با ایرانی‌ها قراردادی نداشتند که برای این کشور و خواسته‌های ما کار کنند و حق‌الزحمه‌ای دریافت کنند هیچ‌کدام نه ایرانی بوده‌اند و نه زرتشتی، روحیه و گرایش ملی ایرانی نیز نداشته بنابراین نباید انتظار داشت که آرزوهای یک ایرانی را در زمینه‌های فرهنگی و دینی بشناسند و به آن توجه کنند. روشن شدن ویژگی‌های تاریخی به ویژه اندیشه‌های دینی و فلسفی زمانی به درستی بیان می‌شود که از سوی باورمندان و معتقدان به آنها پژوهش شود. هیچ کس نمی‌تواند اعتقاد دیگری را به درستی دریابد و منعکس کند. در برخی از موارد دیده شده که مورخ یا خاورشناس خارجی مطلبی را به عنوان دینی و باور ایرانی نوشته‌اند که هیچگاه با

حقیقت و اعتقاد ایرانی هماهنگی ندارد. بنابراین نباید هرنظر، تز یا پژوهش را درست قبول کرد، بهتر است. از روی احتیاط و منطق آن را بررسی کرد.

البته در میان خاورشناسان کسانی بوده‌اند که پژوهش‌های آنان بسیار باارزش و سودمند است، نظیر مارتین هاگ کریستیان بارتولومه، کارل گلدنر، اینسلر و گروه بسیاری که بدون غرض و کینه‌ورزی به پژوهش‌های علمی در جهت روشن کردن و دستیابی به مبانی اندیشه‌های فلسفی و آئین ایرانی کوشش کرده‌اند، فریتس ولف عمری را برای نوشتن فرهنگ بسامدی شاهنامه فردوسی شاهکار تاریخی، اساطیری و حماسی ایران به کار برده و باید سپاسگزار او باشیم.

پژوهشگر باید بی‌غرض و بدون تعصب باشد مورخ یا خاورشناسی که دشمن دین زرتشت باشد هرچه بگوید و بنویسد کمترین اثر مثبت و راهنمایی درست در درک حقیقت ندارد و باعث گمراهی است مانند نظریات تنفرآمیز سموئل نیبرگ درباره زرتشت و گاتاها که از روی غرض‌ورزی و دشمنی نوشته است. تردیدی وجود ندارد که نوشته‌های هرتسفلد و دارمستتر در بردارنده پاره‌ای از اطلاعات مفید است ولی جنبه‌های نادرست در آن بسیار دیده می‌شود چون منابع و مواخذ بسیار برای پژوهش‌های علمی و درست درباره تاریخ و فرهنگ ایرانی وجود دارد وظیفه ایرانیان فرهنگ دوست و باورمند است که خود درباره آنها پژوهش کنند. تمدن و تاریخ، باور فلسفی و دینی خود را تنها از زبان دیگران نشنوند. نیبرگ در وسعت اطلاعات زبانشناختی یک خاورشناس جورگ است ولی آن دانش و اطلاعات را نه از روی نادانی بلکه به جهت دشمن در تخریب چهره زرتشت و گاتاها به کار گرفته. اصول فلسفی و آئین گاتاها اگر بدون پیش قضاوت مغرضانه و منفی بررسی شود. هیچ انسان با انصاف و خردمندی نمی‌تواند با آن مخالفت کند، چون چیزی جز راهنمایی به سوی صلح، سازندگی و خوشبختی در آن دیده نمی‌شود. چه کسی با درستی، خردورزی و نیک‌اندیشی که زرتشت سفارش می‌کند هماهنگی ندارد به جز کسانی که نادرست، بی‌خرد و بداندیش باشند. یک زرتشتی آزاداندیش با هیچ باور و اندیشه‌ای دشمنی نکرده و نخواهد کرد. انسان‌ها که در راه رسایی و تکامل اخلاقی خود و جامعه جهانی گام می‌زنند باید خود را در بدبختی‌ها مسئول و در خوشبختی دیگران شریک بدانند.

وظیفه خود می‌دانم از کسانی که در برگردان و فراهم شدن این کتاب همچنین بخش آن برای آگاهی و پژوهش علاقه‌مندان کمک کردند سپاسگزاری کنم. همسر ماهرافزون فیروزگر به همراه فرزندان و دوستان بهترین مشوق من بودند؛ پروفیسور دوشن گیمن که از خواندن آن و راهنمایی‌های سودمند خود دریغ نکرده‌اند، دوست دیرینم شادروان شجاع‌الدین شفا در تهیه کتاب‌هایی که به آسانی یافت نمی‌شود یاری داده است. آقای رهام اشه محقق و زبان‌شناس در برگردان کتاب اول که مربوط به هفت هات نخستین از گاتاها بود در فراهم کردن مقاله‌ها و منابع گوناگون و نشریه‌های علمی همکاری بسیار کردند و از خواندن و یادآوری تذکر دادن مطالب سودمند کوتاهی نکردند خانم لیلی حاج عظیمی که در تنظیم و تحریر بخش نخست بسیار صرف وقت کردند، در تهیه نرم‌افزار الفبایی اوستایی، پویا ضیا، جوان با استعداد کوشش فراوان داشتند، در بخش ویرایش، بازخوانی و فراهم ساختن وسیله چاپ و انتشار کتاب به صورتی که اکنون در اختیار شماست، دوست دانشمند و گرامی‌ام آقای موبد کورش نیکنام همت کردند که اگر کوشش بی‌دریغ ایشان نبود، هرگز به این کار موفق نمی‌شدم و سرانجام آقای بهجت مدیر انتشارات بهجت که با دلسوزی و دقت بسیار در چاپ نخستین و تکمیل شده کنونی نهایت کوشش را به عمل آوردند. از همه آنان بی‌نهایت سپاسگزارم.

آبتین ساسانفر

پاریس، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی